

# گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرا در اقلیم کردستان عراق

رحمت‌الله فلاح<sup>۱</sup>

## چکیده

اسلام محور هویت اقوام کردی منطقه محسوب می‌شود. از بررسی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی جامعه کرد، این واقعیت روشن می‌شود که، بسیاری از کنش و واکنش‌های تاریخی جامعه کردی بر مبنای اندیشه‌های اسلامی شکل گرفته است. این در حالی است که بسیاری از پژوهندگان مسائل کردی به تبعیت از کارشناسان و پژوهشگران غیر مسلمان و غربی، مسائل ناسیونالیسم قومی را هویت برتر و غالب قلمداد نموده و به نقش کارکردی هویت اسلامی در انسجام اجتماعی بی‌توجه شدند. البته گفتمان ناسیونالیسم قومی در چند دهه اخیر در کردستان عراق غالبیت یافته و بیش از دو دهه است که حکومت اقلیم کردستان آن را به ایدئولوژی رسمی دولتی تبدیل نموده است، ولی واقعیت این است که روندهای اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی نشانگر آن است که مردم مسلمان اقلیم کردستان عراق در تکاپوی هویت طلبی اسلامی خویش هستند.

۱. پژوهشگر مسائل منطقه‌ای جهان اسلام



## مقدمه

حدود ۲۰ درصد از جغرافیای کشور عراق مشتمل بر سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک که قریب به پنج میلیون نفر معادل ۱۷ درصد جمعیت عراق در آن سکونت دارند، به وسیله یک حکومت فدرال لائیک ولی با گرایش قوی ناسیونالیستی قوم کرد، اداره می شود. بیش از ۹۰ درصد ساکنین این سه استان، کرد و سنی مذهب می باشند. آنها بخشی از ۲۵ میلیون کردی هستند که در مساحتی حدود ۶۰ هزار کیلومتر مربع در چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه زندگی می کنند. حدود دو میلیون ترکمان نیز در مناطق کردنشین پراکنده اند که در کنار سایر اقوام و فرقه مانند شبک ها، یزیدی ها، اعراب و شیعیان، به نحو ناهمگونی و تنوع اجتماعی را به وجود آورده است. حکومت اقلیم دارای یک رئیس به نام مسعود بارزانی، مجلس قانون گذاری منتخب با اختیارات بالا، قوه مجریه و هیئت دولت به ریاست نخست وزیر، یک ارتش به نام پیشمرگه، نیروی مرزبانی، پلیس و سرویس اطلاعاتی (جمعاً بیش از یکصد هزار نفر) پرچم خاص و تقریباً تمامی ارکان یک دولت مستقل است و با بیش از پنجاه دولت خارجی ارتباط داشته و تا سال ۲۰۱۰، بیست و دو دولت در اربیل دارای نمایندگی رسمی هستند.

۸۰ درصد سلطه سیاسی، بین دو حزب اصلی و با سابقه یعنی حزب دموکرات کردستان - پارتی - (حدود ۴۵ درصد) و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی (حدود ۳۵ درصد) تقسیم شده است. پایگاه اصلی بارزانی در میان عشایر دهوک (بادینانی ها) و پایگاه اصلی طالبانی در مناطق شهری سلیمانیه (سورانی ها) است. حدود ۱۵ درصد فضای سیاسی را جریان جدید التأسیس گوران - به معنی تغییر - که از اتحادیه میهنی انشعب کرده و ۵ درصد را الباقی را احزاب اسلام گرا در اختیار دارند.

جریان های اسلام گرا با اینکه تاکنون در حوزه سیاسی به دلایل عوامل و شرایط حاکم بر این منطقه موفقیت چندانی کسب نکردند ولی در یک چشم انداز میان مدت، این انتظار وجود دارد که کنش های سیاسی و اجتماعی جریان های اسلام گرا جدی تر شده و موانع محیطی را منعطف کند. البته با توجه به اینکه اسلام، عنصر محوری هویت قوم کرد، در طول تاریخ بوده و شبکه هایی از هویت طریقتی و عرفانی از گذشته های دور تا به امروز فضای فرهنگی و اعتقادی جامعه کرد منطقه از جمله اقلیم کردستان عراق را تشکیل می دهد به همین جهت انتظار غالب بر این بوده و هست، که جریان های اسلام گرا وضعیتی به مراتب قوی تر از شرایط فعلی داشت ولی تاکنون عوامل و شرایط مانع ساز محیطی بر عناصر تقویت کننده غلبه نموده است. با این وضعیت پژوهشگران هم فقط



بازیگران مسلط را مورد توجه پژوهشی قرار داده و توجه لازم به جریان‌های اسلام‌گرا و محیط سیاسی آنها ننموده‌اند. در این تحقیق سعی بر این است که ضمن معرفی لایه‌های مختلف جریان اسلام‌گرای اقلیم کردستان عراق، به عوامل و شرایط محیطی مؤثر در چشم‌انداز تحولات آن پرداخته شود.

### گونه‌شناسی جریان‌های اسلامی در اقلیم

کردها در دوره باستان عمدتاً دارای آیین زرتشتی بودند، اما با ظهور اسلام به سرعت به این دین گرویدند. اولین تماس کردها با دین اسلام از طریق باباجان کرد بود که در مدینه به اسلام ایمان آورد و سپس آن را در بین اقوام کردی خود گسترش داد. دین و مذهب، نقش محوری و کارکردی در هویت مردم کرد خاورمیانه داشته است. البته وضعیت جغرافیایی و تاریخی این جامعه شرایط را برای شبکه‌ای شدن دینداران با قرائت تقریباً متفاوت را به وجود آورده است، به همین جهت گونه‌های مختلف جریان‌های اسلامی را در حوزه اجتماعی و فرهنگی شاهد هستیم<sup>۱</sup>. تحولات فکری و فلسفی خلق کرد از تحولات اندیشه‌ای جهان اسلام و خاورمیانه دور نبوده به خصوص اکثر کردها که حدود شش قرن به صورت مستقیم تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار گرفته در مسائل دینی و اعتقادی تأثیرات چشمگیری را از قرائت دینی عثمانی‌ها گرفته بودند. با فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۴ که در واقع خلافت اسلامی زمان خود محسوب می‌شد، اکثر مسلمانان برای بازگرداندن خلافت اسلامی و حاکمیت مسلمانان تلاش زیادی انجام دادند که کردها هم از این وضعیت مستثنی نبود. از این تاریخ اندیشه اسلام‌گرایی به صورت ضعیف شکل گرفت و البته جریان اخوان المسلمین که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا در مصر به وجود آمده بود، در دهه ۱۹۵۰ در مناطق مختلف جهان عرب و به خصوص در کردستان عراق هم نفوذ کرد.

به عبارتی اسلام و آموزه‌های اسلامی در تاریخ تحولات سیاسی یکصد ساله اخیر کردستان عراق تأثیرات قابل توجه داشته است و رهبران جنبش‌های آزادی بخش کردی در این منطقه در مقاطع زمانی مختلف عمدتاً از افراد و رهبران دینی مورد اعتماد مردم بوده‌اند که با تمسک به حساسیت‌ها و ویژگی‌های قومی کردی، مردم منطقه را بر علیه اشغال‌گران خارجی، استعمارگران جهانی و مستبدین داخلی فراخوانده و بسیاری

۱. مارتین وان بروین سن، جامعه‌شناسی مردم کرد، ترجمه ابراهیم یونسسی، تهران، نشر پانیز، ۱۳۸۳، فصل چهارم.

۲. التیار الاسلامی فی جنوب کردستان (۱۹۴۶-۱۹۹۱)، سلیمانیه، ۲۰۰۶، ص ۲۱-۲۹.





جریان‌های اسلام‌گرا با اینکه تاکنون در حوزه سیاسی به دلایل عوامل و شرایط حاکم بر این منطقه موفقیت چندانی کسب نکردند ولی در یک چشم‌انداز میان مدت این انتظار وجود دارد که کنش‌های سیاسی و اجتماعی جریان‌های اسلام‌گرا جدی‌تر خواهد شد و موانع محیطی را منعطف خواهد کرد

از انقلابات و خیزش‌های مردم را رهبری نموده‌اند؛ اما فقدان مبانی و آموزه‌های سیاسی اسلامی در خیزش‌های مردم و رویکرد رهبران خیزش‌های کردی، حداقل تا اوایل دهه ۸۰ میلادی کاملاً مشهود بوده است و تفکرات قوم‌گرایانه کردی و حداکثر اختلاط آن با تفکرات مارکسیستی و سوسیالیستی موجود در جوامع بشری در دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ میلادی توسط برخی از جریانات کردی، محور همه جنبش‌های کردی در عراق بوده است.

از اوایل دهه ۸۰ میلادی جریانات سیاسی و بعضاً جهادی اسلام‌گرا در کردستان عراق شکل گرفت و فعالیت رسمی خود را به‌عنوان احزاب سیاسی شناسنامه‌دار آغاز نمودند و در دوران مبارزات سهمگین نظامی و سیاسی با رژیم بعث حضوری فعال و تأثیرگذار داشتند و در روند سیاسی پس از آزادی اقلیم از حاکمیت رژیم دیکتاتوری بعث در دهه ۹۰ میلادی مشارکت کردند، اما از اواسط دهه ۹۰ میلادی فشارهای حاکمان اقلیم و برخی اقدامات جناح‌های اسلامی موجب بروز درگیری‌های نظامی و خونین بین اسلام‌گرایان و دو حزب حاکم به‌ویژه در منطقه عمومی حلبچه گردید. که در نهایت این درگیری‌ها موجب مطرح شدن جناح‌های تندرو در احزاب اسلامی شده که با توجه به شرایط بین‌المللی در اواخر دهه ۹۰ میلادی و رشد و گسترش اسلام‌گرایان افراطی بین‌المللی در قالب گروه «القاعده» این جناح‌های افراط‌گرای اسلامی در منطقه کردستان تقویت شدند، به‌گونه‌ای که می‌توان جریانات اسلام‌گرای منطقه کردستان در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ را بدین‌گونه تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

۱. اسلام‌گرایان غیرسیاسی
  ۲. اسلام‌گرایان سیاسی غیرجهادی
  ۳. اسلام‌گرایان سیاسی جهادی معتدل
  ۴. اسلام‌گرایان سیاسی جهادی افراطی
- البته یک تقسیم‌بندی دیگر، اسلام‌گرایان سیاسی در اقلیم کردستان را در سه جریان تقسیم می‌نمایند:

۱. هادی فر، «اسلام‌گرایان و تحولات اخیر کردستان عراق»، برگرفته از سایت



نخست، جریاناتی که به کنش‌های رادیکال اعتقاد دارد. گروه‌های موسوم به «سلفی‌های جهادی»، مانند گروه «جماعت دعوت و جهاد» و «کتائب کردستان (حکومت اسلامی عراق - القاعده)» از این دست می‌باشند.

دوم، جریانات مذهبی که معتقد به فعالیت سیاسی، عاری از هر گونه فعالیت خشونت‌آمیز هستند و صرفاً با ابزارهای متعارف، اهداف سیاسی خود را پیگیری می‌کنند، که می‌توان به دو جریان عمده «جماعت دعوت و اصلاح» و طیف «اقلیت مکتب قرآن» اشاره نمود.

سوم، جریاناتی که از هر گونه فعالیت سیاسی دوری می‌کنند و معتقد به بعد روحانی و معنوی دین هستند و صرفاً مشغول تزکیه روح و درون هستند، طیف «اکثریت مکتب قرآن» و «جماعت تبلیغ و دعوت» از این دست می‌باشند.

به طور کلی این سه طیف از دو آبشخور جهانی یعنی اخوان المسلمین و شبکه القاعده تغذیه فکری و تشکیلاتی می‌شوند. هر چند جریان «مکتب قرآن» را فارغ از تعلق خاطر دینی مشترک، می‌توان جریانی متمایز از این دو جریان جهانی دانست و از آن به‌عنوان تشکیلاتی مستقل نام برد، جریان اول نماینده گفتمان «بنیادگرای اسلامی» است و دو جریان دیگر خود را نماینده خوانش نوآورانه از اسلام یعنی «نوگرای اسلامی» معرفی می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### جریان‌های عمده اسلام‌گرا و رویکردهای سیاسی آنها

به صورت کلی جریان‌های اسلام‌گرا در اقلیم کردستان عراق، در سه حزب و یا تشکیلات ظهور و بروز یافته‌اند که در ذیل به روندهای شکل‌گیری و رویکرد آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. حزب اتحاد اسلامی

ریشه‌های این حزب به جریان و اندیشه‌های اخوان المسلمین می‌رسد. این اندیشه در کردستان عراق هم به مانند سایر کشورها و مناطق سنی مذهب جهان اسلام عمق و مداومت تاریخی دارد، اکنون هم در اقلیم کردستان در چارچوب حزب اتحاد اسلامی به رهبری محمد فرج، به روند خود ادامه می‌دهد.

فعالیت جریان اخوانی در عراق از نیمه نخست قرن بیستم آغاز شد و در برخی از

۱. «اسلام‌گرایی در اقلیم کردستان»، مجله روانگه، س ۴، مهر ۸۲، ش ۱۶، برگرفته از سایت



شهرهای کردنشین مانند کرکوک، اربیل، حلبچه، نیز باز تاب یافت.<sup>۱</sup> حضور کردها در بغداد نیز باعث آشنایی و تعامل آنان با اندیشه و تشکل‌های اخوانی در این کشور شد. هنگام تأسیس انجمن اخوان المسلمین در سال ۱۳۴۹، تعدادی از کردها بین مؤسسان این انجمن بودند. با گسترش فعالیت‌های اخوان المسلمین در کردستان عراق، اخوانی‌ها توانستند مقرهای خود را از طریق انجمن‌های ایجاد شده در تعدادی از شهرهای کردستان باز کنند. با این حال فعالیت‌های آنان محدود شد و برای نمونه، هنگامی که فردی با نام ملا عثمان عبدالعزیز، مسئولیت اخوان المسلمین در کردستان عراق را عهده‌دار شد، در سال ۱۹۵۹ به ناصریه تبعید شد. در مجموع در این دوره به رغم فعالیت‌های اخوان المسلمین در کردستان عراق، توده‌های کرد جذب نشدند و فعالیت‌های این گروه به تعدادی از روحانیون در تعدادی شهر و بین چندین خانواده محدود شد.

جریان اخوانی در کردستان عراق از اواخر دهه ۱۹۷۰، بار دیگر فعالیت خود را در قالب دو تشکل یا شاخه تداوم داد. شروع کار شاخه صدیق عبدالعزیز، سال ۱۹۷۹ بود و شاخه صلاح الدین محمد بهاء‌الدین نیز فعالیت خود را از سال ۱۹۸۰، هم‌زمان با جنگ بین ایران و عراق آغاز کرد. شاخه عبدالعزیز و طرفداران، خود را منشأ دانسته و به مخالفت با شاخه دوم پرداختند، البته با ارتباطات بدنه دو شاخه و به خصوص مهاجرت آنها به ایران و آشنایی بیشتر بین آنها در ۱۹۸۵، سند همکاری بین آنها امضا شد. در انتفاضه ۱۹۹۱ این دو تشکیلات در کنار توده‌های کرد علیه رژیم صدام مبارزه کردند، هر چند که فضای همکاری، مدت زیادی دوام نیاورد و با گسترش اختلافات، در نهایت سازمان جهانی اخوان المسلمین شاخه صلاح الدین محمد را به رسمیت شناخت. در نتیجه صدیق عبدالعزیز از اخوان ناامید شد و تأسیس حزب جدیدی به نام «جنبش اسلامی النهضة» را با اندیشه و روش سلفی اعلام کرد.

پس از جدایی شاخه صدیق عبدالعزیز از جریان اخوان المسلمین، سرانجام شاخه صلاح الدین محمد، حزب اسلامی جدیدی به نام اتحاد اسلامی کردستان به دبیر کلی صلاح الدین محمد، در فوریه ۱۹۹۴ تأسیس کرد. شعار این حزب «اصلاحات و اعتدال» بود و همچنان این روش از سوی این حزب دنبال می‌شود. در واقع این حزب ویتترین و جلوه اخوان المسلمین در کردستان عراق به حساب می‌آید. این حزب برای اولین بار

۱. علی اکبر اسدی، «تحول رویکرد جریان‌های اسلامی در کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۳، پاییز ۱۳۹۱، ش ۵۱، ص ۶۲.

کردها در دوره باستان عمدتاً دارای آیین زرتشتی بودند، اما با ظهور اسلام به سرعت به این دین گرویدند. اولین تماس کردها با دین اسلام از طریق با باجان کرد بود که در مدینه به اسلام ایمان آورد و سپس آن را در بین اقوام کردی خود گسترش داد

در سومین دولتی که حزب دموکرات کردستان در سال ۱۹۹۶ در اربیل تشکیل داد، مشارکت نمود و یک وزیر (وزیر اقلیم - مشاور) داشت بعد از سقوط صدام این حزب به صورت فعال در عرصه سیاسی کردستان عراق فعال است.

در مورد رویکرد سیاسی این حزب، می توان گفت که این حزب در حین تأکید بر اسلام، به حقوق قومی و حتی ناسیونالیستی هم توجه دارد.

از نظر حزب، اتحاد اسلامی کردستان، قضیه کردی سیاسی است. این امر نیازمند مبارزه سیاسی مشترک نیروهای کردی برای رسیدن به لحظه رهایی و ایجاد راه حل سیاسی از سوی کشورهای منطقه، سازمان های بین المللی و جنبش های اسلامی که به قضیه کردی توجه دارند و نیز خود، طرف کردستانی هستند.<sup>۱</sup>

این حزب در مورد حق تعیین سرنوشت به حکم اینکه حزبی اسلامی هم زبان نیروی کردی است، معتقد است که ملت کرد مثل بقیه ملت های جهان حق دارد سرنوشتش را خود رقم بزند. این خواسته ای اصولی برای تمام ملت ها و امت ها به ویژه ملت کرد است، زیرا قومیتی کردی حقیقتی است که خواستار باز گردانده شدن حقوق غصب شده به اصحاب آن است. اتحاد اسلامی کردستان همچنین معتقد است تقسیم کردستان از سوی استعمار غرب با این شکل پیچیده تقسیم آن به رژیم های ساختگی پس از جنگ جهانی اول، حمایت نیروهای استعماری از این رژیم ها در چندین دهه گذشته و انکار حق ملت کرد در داشتن حق وجود و ابراز هویت قومی خود، همگی هدف اصلی این سیاست بوده است.

در مجموع آنچه که از رویکرد سیاسی و اندیشه ای این حزب بر می آید این است که رویکرد دولت ملی بر رویکرد امت محوری غلبه دارد در نهایت این حزب هم همچون سایر احزاب و جریان های ملی گرای کردی بر هویت قومی کردی بیش از سایر هویت ها توجه دارد.

## ۲. حزب جماعت اسلامی

فعالیت این حزب در کردستان عراق با تأسیس «حرکة الرابطة الاسلامی» (جنبش هیئت الاسلامی) آغاز شد. این حزب در کنار فعالیت سیاسی، اقدامات مسلحانه را در

۱. علی اکبر اسدی، همان، ص ۷۳.





نمی کرد. بیشتر مؤسسان این حزب از روحانیون بودند، به همین علت، به عنوان سازمان ویژه روحانیون شناخته می شوند. در سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷، این جنبش فعالیت تبلیغی مختلفی انجام داد و در کنار آن، ماهنامه ای به نام *آفاق الاسلام* به دو زبان عربی و کردی منتشر کرد. در سال ۱۹۸۵، شاخه نظامی این سازمان با نام «جیش القرآن» تأسیس شد. این شاخه از چهار نیرو تشکیل می شد که خالد، صلاح الدین، شافعی و فاروق نام داشتند و فعالیت های نظامی، علیه نظام بعثی عراق انجام می دادند.<sup>۱</sup>

شرایطی که اقلیم کردستان در آن به سر می برد، نشان می داد که صحنه کردی نیازمند یک حزب اسلام گرای قوی تر از *حركة الرابطة الاسلامی* است. این امر پس از مدت کوتاهی محقق شد و در ژوئیه ۱۹۸۷ پس از برگزاری چندین جلسه بحث و تبادل نظر، جنبش انجمن اسلامی به حزب مسلح جدیدی به نام «جنبش اسلامی در کردستان عراق» تبدیل و شیخ عثمان عبدالعزیز به اجماع شرکت کنندگان، مرشد کل این جنبش جدید شد. این انتخاب به دلیل جایگاه دینی و اجتماعی او صورت گرفت. هنگام اعلان تشکل جنبش اسلامی، قدیمی های اخوان المسلمین از این پروژه مسلحانه کنار کشیدند و مخالفت خود را اعلام کردند، زیرا این جنبش را در راستای راهبرد اخوان المسلمین نمی دانستند.

پس از انتفاضه ۱۹۹۱ جنبش اسلامی همانند سایر احزاب، در شهرها و روستاهای کردنشین مقرهایی برای خود باز کرد و به این ترتیب، مرحله جدیدی از فعالیت اسلامی را شروع کرد. این مرحله متفاوت از مرحله قبلی بود، زیرا جنبش اسلامی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ شرکت کرد و ۵۵ درصد آرا را به دست آورد. با اینکه جنبش اسلامی پس از دو حزب اسلامی کردستان (حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان) در رتبه سوم قرار گرفت، چون نتوانست طبق قانون انتخابات ۷ درصد آرای رأی دهندگان را کسب کند، هیچ کرسی در پارلمان به دست نیاورد. البته درگیری جنبش اسلامی با اتحادیه میهنی شرایط را برای آنها سخت تر نمود. جنبش اسلامی فعالیت کار خود را تا ۲۰ آگوست ۱۹۹۹ ادامه داد و در این تاریخ با جنبش نهضت اسلامی یکی شد و هر دو جنبش، حزبی جدید به نام «جنبش وحدت اسلامی کردستان عراق» به رهبری ملا علی عبدالعزیز تأسیس کردند و برادرش، صدیق عبدالعزیز، معاون او شد. هنگام برگزاری اولین کنگره وحدت اسلامی در ۳۰ آگوست ۲۰۰۰، جریان های فکری

۱. ایرج مسجدی، «بررسی روابط حرکت اسلامی کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳.



مختلف و متفاوتی داخل این جنبش بودند که هر کدام برای مرحله پس از کنگره برنامه و طرحی داشتند که در نهایت جریان «جماعت اسلامی» شکل گرفت. جماعت اسلامی خود را میراث دار مشروع و قانونی جنبش اسلامی وحدت دانست.<sup>۱</sup>

جماعت اسلامی معتقد است ملت کردستان همانند سایر ملت‌های جهان حقی اصیل و مشروع دارد تا برای خود، کشوری خاص داشته باشد. البته فدرالیسم را در شرایط حاضر، مناسب برای تحقق بخشی از مطالبات قومی کرد می‌دانند. در آیین نامه داخلی این حزب آمده است: شریعت اسلامی تنها منبع قانون‌گذاری است و در تمام زمینه‌های زندگی اجرایی می‌شود. در واقع این حزب هم قانون اسلامی را در کشوری مستقل کردی دنبال می‌کند و هم بر ارتقای موقعیت سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی قوم کرد، تأکید دارد.

### ۳. گروه رادیکال انصارالاسلام

بیش از همه گروه‌های سیاسی اسلامی در سطح کردستان نام گروه انصارالاسلام به عنوان یک گروه تندرو و جنگجو و تروریست بر سر زبان‌هاست و فهرستی از ترور و اعمال خشونت‌آمیز و اعمال ناپسند (از جمله در آوردن جسد مشایخ ته‌ویل) به آنها نسبت داده می‌شود. مؤسس گروه انصارالاسلام شخصی به نام نجم‌الدین فرج می‌باشد که به ملا کریکار شناخته شده است. ملا کریکار در سال ۱۹۵۶ در اربیل به دنیا آمد. در دانشکده شریعت درس خواند. در اوایل جوانی تجربه‌ای از چپ‌گرایی اسلامی داشته است. در آغاز دهه هفتاد، در فعالیت‌های چپ‌گرایی و ملی‌گرایی شرکت داشته است. در سال ۱۹۸۰ به اخوان المسلمین پیوست و از عراق خارج شد. در سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ در ایران زیسته است. سپس به افغانستان رفته و سال‌ها در افغانستان در زمان عبدالله عزام چون یک مجاهد زیر نظر او فعالیت داشته و از این فرد سلفی مسلک، بسیار تأثیر پذیرفت.

بعد از فوت مرشد کهنسال حرکت اسلامی عثمان‌العزیز، در سال ۲۰۰۰ که به هر حال هم در درون سازمان و هم با گروه‌های کردی و زنه تعادلی محسوب می‌شد، کم‌کم در درون حرکت اسلامی مناقشاتی رخ داد که سرانجام به انشعاب آنها منجر گردید (۲۰۰۱). گروهی به ریاست علی‌العزیز، برادر مرشد سابق، تحت همان نام سابق فعالیت کردند. دسته‌ای هم به ریاست علی‌باپیر کومه‌لی ئیسلامی (جماعت اسلامی) را تشکیل دادند و دسته سوم از انشعاب یون حرکت اسلامی جندالاسلام را تشکیل دادند. کریکار با این دسته سوم به فعالیت پرداخت، سپس به انصارالاسلام تغییر نام یافتند و کریکار را به امیری خود برگزیدند. وی قبل از شروع حمله امریکا به عراق

1. <http://www.asnoor.ir/Public/Parties/ViewParties.aspx?Code=102531>





به عبارتی اسلام و آموزه‌های اسلامی در تاریخ تحولات سیاسی یکصد ساله اخیر کردستان عراق تأثیرات قابل توجه داشته است و رهبران جنبش‌های آزادی بخش کردی در این منطقه در مقاطع زمانی مختلف عمدتاً از افراد و رهبران دینی مورد اعتماد مردم بوده‌اند که با تمسک به حساسیت‌ها و ویژگی‌های قومی کردی، مردم منطقه را بر علیه اشغال‌گران خارجی، استعمارگران جهانی و مستبدین داخلی فراخوانده و بسیاری از انقلابات و خیزش‌های مردم را رهبری نموده‌اند

در یکی از سفرهای پنهانی خود به اروپا در سال ۲۰۰۲ دستگیر و به کشور هلند اخراج گردید، در آنجا دستگیر و توسط بازجوهای امریکایی تحت بازجویی قرار گرفت ولی تبرئه شد. پس از چندی آزاد شد ولی تحت نظر قرار داشت و اکنون نیز به فعالیت‌هایش مشغول است. افکار نجم‌الدین فرج معروف به ملا کریکار تحت تأثیر چهار شخصیت به نام‌های ابن تیمیّه در عقیده، سید قطب در منهج حرکتی، شرف‌الدین نووی در فقه، ابن قیم جوزیه در سلوک عرفانی، قرار گرفته است. کنار رفتن وی از رهبری انصارالاسلام به نظر

می‌رسد تنها به دلیل زندانی شدن وی در اروپا و عدم امکان برگشت به کردستان نباشد - چنانکه خودش گفته - بلکه به نحوی کنار گذاشتن توسط جناحی تندروتر است. وی در مصاحبه با کانال العربیه انفجارهایی که در آن بی‌گناهی کشته شوند را سخت محکوم کرده است. در ماه ژانویه ۲۰۰۳ در کردستان عراق طی اجتماعی که ۱۴ نفر از رهبران انصارالاسلام حضور داشتند (در آن زمان انصارالاسلام از میان کردها، عرب‌ها و افغانی‌ها حدود ۶۰۰ نفر ستیزه‌جو داشت). در این جلسه ملا کریکار به جرم خیانت (در پی ضدیت با جهاد علیه امریکا) از رهبری انصارالاسلام عزل و فردی به نام عبدالله شافعی معروف به وریاهه ولیری به رهبری گروه انصارالاسلام در مناطق کردنشین و احمد فاضل الخالیه معروف به ابومصعب الزرقاوی به ریاست گروه در دیگر مناطق عراق انتخاب شد و عملیات و مبارزاتش را به نام توحید و جهاد آغاز کرد. بخش علنی فعالیت‌های انصارالاسلام شامل ترویج و تبلیغ و آموزش عقیدتی - نظامی است. این گروه برای انجام امور تبلیغاتی خود، عمدتاً از منبر مساجدی که به هر طریق توانسته پیش نمازهای آنها را با خود همراه و هم عقیده کند، استفاده می‌کند. این مساجد که در حال حاضر تعداد آنها بالغ بر ده‌ها مسجد برآورد می‌شود، عمدتاً شامل مساجد روستایی و مساجد حاشیه شهرهای کردستان، به‌ویژه شهرهای جنوب کردستان (از جوانرود تا بوکان) است. ایراد خطبه‌های تحریک‌کننده و عوام‌فریبانه با محتوای تأکید افراطی بر ظواهر دین، ترویج سلفی‌گری، شیعه

ستیزی، ضدیت با هر نوع نواندیشی دینی و مسائل و مباحثی از این دست، باعث رونق پیش‌نماها و مساجد تحت کنترل انصار الاسلام شده است.

### حامیان خارجی انصار الاسلام

انصار الاسلام آشکارا با تعدادی از دولت‌های مرتجع منطقه (به‌ویژه عربستان و پاکستان) و برخی نهادهای امنیتی و جاسوسی غربی (به‌ویژه انگلستان و آمریکا) رابطه دارد. در این زمینه پیش‌تر اشاره گردید که «تحسین ملا علی»، امیر امارت اسلامی سابق کردستان و یکی از رهبران برجسته انصار الاسلام، در حالی که ظاهراً تحت تعقیب امریکا است، آزادانه از این کشور به آن کشور می‌رود و طی نامه تهدیدآمیزی که به، رهبر اتحاد اسلامی عراق، در سال ۲۰۰۷ نوشته آشکارا به روابط گرم خود با مقامات امنیتی انگلستان اشاره می‌کند. همچنین از پیوندهای صمیمانه خود با خاندان قدرتمند «ترکی»، در عربستان سخن می‌گوید. در همین زمینه می‌توان به فعالیت‌های منطقه‌ای بنیاد «صلاح الدین ایوبی» اشاره نمود که آزادانه در حال جذب و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای انصار الاسلام است و بدون هیچ مشکلی وجوه جمع‌آوری شده را در بانک‌های اروپایی ذخیره می‌کند. این مقدار البته تنها بخش کوچکی از ارتباطات خارجی انصار الاسلام است.

### گروه‌های مرتبط با انصار الاسلام

- گروه توحید و جهاد: این گروه را می‌توان معروف‌ترین گروه سلفی دانست که از اعمال تروریستی برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کند. ابومصعب الزرقاوی این گروه را تأسیس کرد و پس از هلاکت زرقاوی، اکنون ابویوب المصری آن را هدایت می‌کند؛ این گروه در ادامه به «قاعده الجهاد در بلاد الرافدین» تغییر نام یافت تا بعد از مدتی آنچه که به دولت اسلامی عراق شهرت یافته را تشکیل دهد. کارشناسان، زرقاوی را نسخه به روز شده گروه القاعده بعد از حملات ۱۱ سپتامبر توصیف می‌کنند. وی که نام اصلی‌اش «احمد فاضل نزال الخلیله» و متولد شهر زرقا در اردن است؛ ایدئولوژی سلفی، او را به پیشاور پاکستان کشاند و پس از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳، هم به مثلث سنی در عراق رفت تا به سمبل معاصر سلفی جهادی مبدل شود.<sup>۱</sup>

استفاده افراطی زرقاوی از ایدئولوژی‌های سلفی، وی را به شخصیتی خون‌ریز و افراطی

۱. «اسلام‌گرایی در اقلیم کردستان»، همان.





تبدیل کرد. وی در ۲۰۰۴/۱۰/۸ و پس از حدود یک سال فعالیت در عراق در بیانیه‌ای در اینترنت با بن لادن، به عنوان رهبر گروه القاعده بیعت کرد. زرقاوی در زمان حیاتش تقریباً تمام فعالیت‌های گروه را در قبضه خود داشت و عبد الرحمن العراقي را که یک شخصیت مبهم و ناشناس بود، به عنوان جانشین خود برگزید. وی در حمله هوایی جنگنده‌های امریکایی به یک خانه در نزدیکی شهر دیالی، در روز ۷ ژوئن ۲۰۰۶ کشته شد. از مهم‌ترین شخصیت‌های بارز این گروه در زمان زرقاوی که خود را «امیر قاعده الجهاد» می‌نامیدند، «ابو عبد الرحمن العراقي» معاون وی، «ابو حمزه البغدادی» رئیس شورای شرعی گروه، «ابو میسره العراقي» سخنگوی تبلیغاتی و اطلاع رسانی، «ابو اسید العراقي» فرمانده شاخه نظامی و «ابو دجانه الانصاری» رهبر گردان (استشهادیون!) انتحاریون القاعده را می‌توان نام برد. اکثر اعضای این گروه را جنگجویان عرب غیر عراقی تشکیل می‌دهند، اما رهبران آن سعی دارند با اعطای لقب‌های عراقی به رهبران خود به آن ویژگی عراقی ببخشند. گروه توحید و جهاد که در واقع شاخه اصلی و رسمی القاعده در عراق است بعد از ربودن و شکنجه کردن قربانیان خود، آنان را به شکل فجیعی از پای در می‌آورد؛ قربانیان این گروه معمولاً با سرهایی جدا شده، در مناطق مختلف شهر یافت می‌شوند. القاعده با توجه به مبالغه‌های هنگفتی که در اختیار دارد؛ برخی از گروه‌های بزهکار عراقی را هم به استخدام خود در آورده تا فعالیت‌های شناسایی و ربودن شخصیت‌های خاص را انجام دهند و آنها را به القاعده بفروشند، در این رابطه می‌توان به سفیر مصر در عراق اشاره کرد. از دیدگاه قاعده الجهاد (توحید و جهاد) همه افراد شاغل در ادارات دولتی و مأموران پلیس و ارتش عراق، مشرک و کافرند. مقر اصلی آن در منطقه موسوم به مثلث مرگ است و هسته مرکزی آن در شهر فلوجه و اطراف آن شکل گرفت. علاوه بر جنگجویان خارجی تعداد زیادی از بعثی‌ها از جمله افرادی که در زمان صدام معدوم، به فدائیان صدام معروف بودند و نیز افسران و درجه داران گارد ریاست جمهوری عراق و نیروهای سازمان امنیت ویژه هم در آن عضویت دارند. دولت عراق، سوریه را به عنوان مسیر رفت و آمد پشتیبانی انسانی و لجستیکی این گروه معرفی می‌کند. دامنه فعالیت این گروه تروریستی بیشتر در غرب و مرکز عراق است که از جنوب به کربلا و از شمال به موصل منتهی می‌شود، اما شاهد انجام عملیات تروریستی این گروه در نجف، و مناطق جنوبی تری همچون بصره یا شمال عراق هم بودیم. گروه توحید و جهاد هم اکنون نیز در عراق فعالیت‌های مسلحانه تروریستی انجام می‌دهد. آخرین گزارش‌ها از ضعیف شدن این گروه بعد از مسلط شدن نیروهای عراقی بر مناطق تحت نفوذ این گروه خبر می‌دهند.

بیش از همه گروه‌های سیاسی اسلامی در سطح کردستان نام گروه انصارالاسلام به عنوان یک گروه تندرو و جنگجو و تروریست بر سر زبان‌هاست و فهرستی از ترور و اعمال خشونت‌آمیز و اعمال ناپسند (از جمله درآوردن جسد مشایخ ته‌ویله) به آنها نسبت داده می‌شود. مؤسس گروه انصارالاسلام شخصی به نام نجم‌الدین فرج می‌باشد که به ملا کریکار شناخته شده است

**انصار السنه:** نسخه شبیه‌سازی شده انصارالاسلام است که ارتباط مستقیمی با طالبان و گروه القاعده در عراق دارد و از سپتامبر ۲۰۰۱ فعالیت خود را در عراق آغاز کرد. گروه انصار السنه را باید از پیشقراولان عملیات فجیع تروریستی از جمله سربریدن گروگان‌ها در سال‌های اخیر دانست. انصار السنه با بیانیه‌ای که در آوریل ۲۰۰۳ صادر کرد؛ اولین گروهی بود که رسماً عمل جنایتکارانه سربریدن شهروندان عراقی را به اتهام همکاری با اشغالگران به عهده گرفت و تصاویر آن را در شبکه اینترنت منتشر کرد و از همین طریق هم معروف شد. این گروه با گروه «ارتش انصار السنه» تفاوت دارد و معمولاً بیانیه‌های خود را تحت عنوان «دیوان

جند جماعه انصار السنه» منتشر می‌کند. این گروه افراطی همچنین اوایل سال ۲۰۰۷ در بیانیه‌ای از اهل تسنن عراق خواست تا بغداد را ترک نکرده و پایتخت عراق را در اختیار شیعیان قرار ندهند.<sup>۱</sup> گروه انصار السنه هم اکنون جز نام و گاهاً عملیات‌های محدود انتحاری، چیزی از آن باقی نمانده است.

### اهداف جریان‌های اسلامی میانه رو

- تحقق عبودیت خداوند تعالی با پایبندی به شرع در همه جنبه‌های زندگی؛
- جهاد کردن در راه برپایی حکومت اسلامی در کردستان عراق؛
- شناساندن قضیه کردی به همه ملل و سازمان‌های جهان و جهاد در راه اعاده حقوق غصب‌شده ملت کرد؛
- جهاد در راه برچیدن حکومت دیکتاتوری و برپایی نظام و ایلات در عراق؛
- جهاد در راه زدودن آثار امپریالیسم و برچیدن پدیده‌های نژادپرستی و شوونیسم و تمامی انواع سلطه‌گری بر ملت و میهن؛
- تلاش برای حفظ حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های دینی صاحب کتاب آسمانی و اقلیت‌های قومی در سایه قانون، قانون اساسی و شریعت اسلامی؛

۱. «اسلام گرایی در اقلیم کردستان»، همان.





- ستیزه با ظلم و فساد و اقامه عدل و اصلاح و حفظ هویت اسلامی ملت مسلمان کرد؛  
- التزام از حیث عقیدتی، سیاسی و اجتماعی به اینکه اسلام در برگیرنده همه جنبه‌های  
حیات بشر است؛

- تلاش برای تحقق ایمان که در وجود همگی آحاد امت اسلام موجود است؛  
- مرام و روش حرکت اسلامی کردستان عبارت است از: قرآن کریم و سنت نبوی شریف  
و نیز بهره‌گیری از تاریخ اسلام و سرگذشت صالحان و تجارب جنبش‌های اسلامی.<sup>۱</sup>

#### ۴. جریان شیعی (کردهای فیلی)

کردهای شیعه عراق به کردهای فیلی معروفند. واژه فیلی یا پیلی به معنای «انقلابی،  
شجاع و طغیان‌گر» است. اینها در مرز ایران و شرق عراق پراکنده‌اند. کردهای فیلی در  
تاریخ عراق پس از جنگ جهانی اول و دوم مورد ظلم و ستم واقع شدند، اما اوج این  
اقدامات سرکوب‌گرانه در زمان حاکمیت حزب بعث بود که صدام آنها را به علت «کرد  
بودن»، «شیعه بودن» و «ایرانی بودن» سرکوب می‌کرد. کوچ اجباری، اعدام دسته  
جمعی، مصادره اموال و محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی از اقدامات حزب بعث  
در قبال کردهای فیلی بوده است.<sup>۲</sup>

کردهای فیلی عراق در مناطق خانقین، مندلی، سلیمانیه، کرکوک، بغداد، شهریان،  
العماره، سعیدیه، بصره، کوت، بدره، علیغربی، دیوانیه، شامیه و... سکونت دارند. در  
این مناطق اغلب کردهای شیعه ساکن هستند که به علت همسایگی و همسویی  
مذهبی با ایران از طرف حاکمان بغداد مورد سوء ظن قرار گرفته بودند. بعد از سرنگونی  
صدام حسین کردهای شیعی، سیاست خود را در قالب سیاست‌های کلی کشوری با  
رویکرد جریان غالب شیعه در عراق تنظیم نمودند. هرچند که تاکنون به موقعیت  
سیاسی مناسب در کردستان عراق دسترسی پیدا نکرده‌اند. رابطه کردهای فیلی با  
رهبران کرد شمال عراق در دوره‌های مختلف فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. در  
گذشته بعضی از کردهای فیلی در ساختار حزبی دو حزب بزرگ اقلیم کردستان (اتحادیه  
میهنی و حزب دموکرات کردستان) حضور داشتند.<sup>۳</sup> با اشغال عراق و تشکیل حکومت

۱. حسن لطیف زبیدی، *عراق در جستجوی آینده*، مترجم علی شمس، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان  
نور، ۱۳۸۹، ص ۷۸.

۲. یوسف وصالی، «جایگاه کردهای فیلی در نظام سیاسی و اجتماعی عراق»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان  
اسلام*، س ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۱۷۶.

۳. از جمله جعفر محمد کریم و شعبان نورعلی پس از امضای توافق نامه مارس ۱۹۷۰ که به خودمختاری محدود  
کردها انجامید حضور کردهای فیلی بیشتر شد. برای مثال، زکیه اسماعیل حقی، اولین قاضی زن در عراق و رئیس  
اتحادیه بانوان کردستان است.



کردهای شیعه عراق به کردهای فیلی معروفند. واژه فیلی یا پیلی به معنای «انقلابی، شجاع و طغیان‌گر» است. اینها در مرز ایران و شرق عراق پراکنده‌اند. کردهای فیلی در تاریخ عراق پس از جنگ جهانی اول و دوم مورد ظلم و ستم واقع شدند، اما اوج این اقدامات سرکوبگرانه در زمان حاکمیت حزب بعث بود که صدام آنها را به علت «کرد بودن»، «شیعه بودن» و «ایرانی بودن» سرکوب می‌کرد. کوچ اجباری، اعدام دسته جمعی، مصادره اموال و محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی از اقدامات حزب بعث در قبال کردهای فیلی بوده است

اقلیم، تحصیل کرده‌های کرد فیلی خارج از عراق به کردستان بازگشتند و به پست‌های مدیریتی دست یافتند یا در نیروهای مسلح (پیشمرگه) به فعالیت پرداختند.<sup>۱</sup>

در انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ رهبران کرد انتظار داشتند مناطقی که کردهای شیعه در آن ساکن هستند به آنها رأی دهند، اما گرایش عمده کردهای فیلی به سمت ائتلاف یکپارچه بود. اگر چه کردهای شیعه با شوراهای شمال عراق از نظر هویتی همسو هستند، اختلافاتی نیز با آنها دارند. مهم‌ترین مشکل این شوراها این است که محیط جغرافیایی کردهای فیلی در اختیار دولت اقلیم نیست. در واقع ساکنان بدر، جسان و خانقین در کنترل حکومت اقلیم نیستند. با اینکه حکومت اقلیم حمایت سیاسی از آنها انجام می‌دهد ولی این حمایت

در حدی نیست که آنها بتوانند یک حزب سیاسی قوی با ماهیت کردهای فیلی - شیعی تأسیس کنند.<sup>۲</sup> احزاب مختلفی هم که کردهای فیلی تأسیس کرده‌اند به علت اختلافات قادر به تبدیل به یک نیروی اجتماعی و سیاسی تأثیر گذار نشده‌اند. با این حال به این معنی نیست که آنها ظرفیت تبدیل شدن به یک حرکت قوی اسلامی ندارند، بلکه اگر رهبران و نخبگان آنها بتوانند به اجماع نظر برسند این قابلیت وجود دارد که با بهره مندی از عمق ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران هویت سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را پررنگ‌تر کنند.

### حرکت اسلامی کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران

در سال ۱۳۶۳ به دنبال فشار مضاعف رژیم بعث عراق بر مردم کردستان عراق خصوصاً اهالی منطقه شهر زور جمعی از علمای آن منطقه که شیخ محمد برزنجی در رأس

۱. از جمله این افراد می‌توان به عادل مراد، عضو دفتر سیاسی اتحادیه، جیل فیلی و حیدر شیخ علی اشاره کرد.  
 ۲. یوسف و صالی، همان، ص ۱۸۴.



آنها بود، به ایران مهاجرت نموده و پناهنده شدند بعد از مدتی شخصیت‌های دیگری مثل: شیخ علی بیاره، شیخ لطیف برزنجی، شیخ محمود آزادی، شیخ ابوبکر صدیقی، عبدالرحمن نوربی، شیخ عبدالله جهاز و شیخ لقمان نذیری به جمع آنها پیوستند و در ابتدا آنها توانستند ارتباطاتی با امور روحانیون غرب کشور برقرار نمایند، این گروه با هدف مبارزه سیاسی با رژیم بعث عراق فعالیت خود را به صورت پراکنده و غیر سازمانی آغاز نمودند، از آنجایی که این جمع در بین مردم کردستان عراق نفوذ قابل توجهی داشتند مورد توجه واقع گردید که با تقویت این گروه آنها را در راستای تضعیف سیاسی، نظامی رژیم حاکم بر عراق فعال نماید، لذا در ابتدا با انجام فعالیت‌های تبلیغاتی آنها علیه حکومت عراق موافقت و در مراحل بعدی با درخواست آنها مبنی بر تشکیل یک سازمان سیاسی، نظامی موافقت گردید و تشکیلات حزبی آنها تحت عنوان «حرکت رابطه اسلامی کردستان عراق تأسیس گردید. این تشکیلات بعد از مدتی با تشکیل شاخه نظامی تحت عنوان «لشکر قرآن» اهداف اولیه خود را گسترش داده و از فاز سیاسی وارد فاز نظامی گردید. فرماندهی لشکر قرآن را یکی از اعضای هیئت مؤسس به نام «لقمان حافظ نذیری» عهده‌دار گردید و بعد از مدت کوتاهی این مسئولیت به شیخ علی بیاره از مؤسسان اولی واگذار گردید.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۶۶ رژیم عراق اقدامات کنترلی شدیدی در منطقه «شهر زور» به کار برد و تصمیم بر خلاف فرمانداری حلبچه و تبدیل آن به بخش و همچنین تبدیل بخشداری سید صادق به دهداری و از طرفی با احداث شهرک‌هایی تصمیم بر جمع‌آوری مردم روستاها و امکان آنها در این شهرک‌ها در جهت کنترل دقیق مردم را داشت، برای مقابله با این اقدامات قیام عمومی مردم منطقه شهر زور خصوصاً شهرهای حلبچه خرمان، سید صادق، طویله و بیاره آغاز گردید و مردم با نظامیانی که با دستگاه‌ها مهندسی در حال انهدام و تخریب منازل و بعضی از تأسیسات مسکونی و غیره بودند، درگیر شدند، اما این قیام با مقابله شدید ارتش بعثی عراق سرکوب گردید و ده‌ها هزار نفر از مردم کردستان با خروج از مرزها پناهنده ایران شدند. در بین آوارگان جمعی از علمای منطقه از جمله: شیخ عثمان عبدالعزیز، شیخ علی عبدالعزیز، که از روحانیون سرشناس و با نفوذ کردستان عراق بودند حضور داشتند و از عنایت و توجه جمهوری اسلامی بهره‌مند شدند.

در واقع در تحلیل جریان‌های اسلامی کردستان عراق، جایگاه جمهوری اسلامی ایران

۱. ایرج مسجدی، همان.



بی بدیل و غیر قابل انکار است. این جریان‌ها با اینکه دارای ریشه‌های بومی و تاریخی بوده‌اند ولی واقعیت این است که اگر توجه جمهوری اسلامی به جنبش‌ها و جریانات اسلامی کردستان عراق نبود مسلماً امروزه آنها هیچ جایگاهی را در عرصه سیاسی و امنیتی کردستان عراق نداشتند.

## روندشناسی اسلام‌گرایی در کردستان عراق

در یک نگاه روند شناسانه نسبت به تحولات محیط اسلام‌گرایی در مناطق کردستان عراق به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- ناکارآمدی ساختارهای قوم‌گرا؛ با اینکه تاکنون گفت‌وگوها در اقلیم کردستان عراق بر مبنای ناسیونالیسم قومی کردی شکل گرفته‌است و این گفت‌وگوها حدود دو دهه است که در قالب ایدئولوژی رسمی دولتی تبدیل شده‌است، ولی واقعیت این است که مبارزان و قهرمانان دیروز کردی، امروز به رانترهای بزرگ در عرصه سیاسی، اقتصادی تبدیل شده‌اند و فاصله زیادی با آرمان‌ها و مطلوبیت‌های جامعه کردی که برای رسیدن به این وضعیت هزینه‌های بالایی داده‌اند، به وجود آمده است. به همین جهت از گرایش و علائق جامعه کردی عراق نسبت به حاکمان سکولار و قوم‌گرای خود در حال کاسته شدن است<sup>۱</sup> و توجه نسبت به جریان‌های اسلامی که رویکردشان بیشتر می‌شود. با این اوصاف روندهای موجود بیانگر این است که در سال‌های آینده وزن و جایگاه جریان‌های اسلامی در فضای سیاسی و فرهنگی اقلیم کردستان عراق به مراتب افزایش خواهد یافت.

- تأثیر پذیری از تحولات جریان اخوان المسلمین منطقه؛ بیشتر سازمان‌های اسلام‌گرا در یک یا چند زمینه ریشه خود را بر اساس خط مشی اخوان المسلمین بنا نهاده‌اند. برای

۱. در واقع آنچه که مردم کردستان عراق را که از مشکل بیکاری، نابرابری اقتصادی و اقتدار سنتی احزاب حاکم رنج می‌برند به خیابان‌های شهرهای منطقه کردی کشانده است، نه انگیزه‌های حزبی بلکه رسیدن به آزادی‌های سیاسی و برخورداری از امتیازات اقتصادی است. جوانان کرد اعتراض کننده در تازه ترین اقدام خود که به مناسبت بیستمین سال قیام مردم سلیمانیه علیه رژیم صدام حسین صورت گرفت، در یک اقدام نمادین نام میدان اصلی شهر سلیمانیه را از «بردرکی سرا» به «میدان آزادی» تغییر دادند. این اقدام به نوعی نشانه تأثیر پذیری آنها از گردهمایی مردم مصر در میدان تحریر قاهره بوده است. معترضین همانند مصری‌ها به برپایی چادرهای موقت در میدان آزادی سلیمانیه دست زدند تا به نوعی تداوم اعتراضات خود را تا برآورده شدن آنها تضمین کنند. با این همه نیروهای امنیتی حکومت محلی کردستان و طرفداران غیر نظامی آنها با آتش زدن این چادرها در صدد پراکنده ساختن گردهمایی موجود برآمدند. با توجه به همین واکنش‌ها بود که دنیس ناتای پژوهشگر دانشگاه دفاع ملی در آمریکا که کتاب «شبه دولت کردی» را به تازگی انتشار داده است، تأکید می‌کند که «رابطه دولت و جامعه در کردستان عراق، رابطه‌ای توسعه نیافته است. این رابطه، نوعی رابطه وابستگی است، همانند رابطه میان پدر و فرزند.» در واقع فقر و بیکاری از یک سو و فساد مالی دو حزب حاکم و طرفداران آنها در نهادهای حکومت محلی از سوی دیگر عامل اصلی قیام مردم کردستان علیه اقتدار دو گروه سنتی حاکم شده است.





در واقع آنچه که مردم کردستان عراق را که از مشکل بیکاری، نابرابری اقتصادی و اقتدار سنتی احزاب حاکم رنج می‌برند به خیابان‌های شهرهای منطقه کردی کشانده است، نه انگیزه‌های حزبی بلکه رسیدن به آزادی‌های سیاسی و برخوردارگی از امتیازات اقتصادی است. جوانان کرد اعتراض‌کننده در تازه‌ترین اقدام خود که به مناسبت بیستمین سال قیام مردم سلیمانیه علیه رژیم صدام حسین صورت گرفت، در یک اقدام نمادین نام میدان اصلی شهر سلیمانیه را از «بردر کی سرا» به «میدان آزادی» تغییر دادند

مثال حزب اسلامی عراق، اتحاد علمای مسلمان کردستان و اتحاد اسلامی کردستان به ترتیب به عنوان حزب رسمی اخوان المسلمین در عراق و شاخه‌های منطقه‌ای اخوان المسلمین بوده‌اند. از طرف دیگر، رهبران برجسته برخی جنبش‌ها مانند جنبش اسلامی کردستان و النهضه، اغلب از فعالین اخوان المسلمین بوده‌اند.<sup>۱</sup> با این حال که در تحولات جهان عرب که با عنوان بهار عربی یا بیداری اسلامی نامیده می‌شود بخش عظیمی از کنش‌گران مؤثر و پیشگام آن را طرفداران جنبش اسلامی اخوان المسلمین تشکیل می‌دهد. به همین جهت روندهای در حوزه‌های فعالین اسلام‌گرای اقلیم نشانگر آن است که تأثیرات فکری و تجربی اخوانی‌ها در سال‌های اخیر در کانون توجه اسلام‌گراهای اقلیم واقع گردیده و به احتمال قوی در آینده این تأثیر پذیری سرعت بیشتری خواهد یافت.

- تقویت الگوی دینی - قومی؛ اصلی‌ترین نیروهای سیاسی اسلام‌گرای کردستان، که امروزه در قالب ائتلاف «اتحاد اسلامی - جامعه اسلامی اقلیم کردستان» سازمان یافته‌اند، بر اساس پارامترهای مورد بحث در تقسیم‌بندی گفتمان‌های سیاسی، در طیف گفتمان‌های اسلامی محافظه‌کار قرار می‌گیرند که با توجه به شرایط کنونی حاکم بر اقلیم کردستان، این گفتمان روز به روز ماهیت داخلی و بومی خود را تقویت می‌کند، از این رو بیشتر به سمت نقش‌آفرینی در چهره یک اپوزیسیون داخلی حرکت می‌کند. این گفتمان امروزه با چند پرسش اساسی مواجه است: نخست اینکه، اگر این جریان روزی زمام حکومت اقلیم کردستان را در دست گیرد، چگونه با استراتژی ملی کردها در راستای تشکیل دولت کردی، که بیش از یک سده برای آن خون ریخته‌اند، تعامل خواهد نمود؟ یا به زبانی دیگر موضع این جریان در قبال گفتمان ملی‌گرایانه اقلیم کردستان که به عنوان راهبرد عالی اغلب نیروهای سیاسی کرد، در پی ایجاد دولت کردی

۱. جعفر پناهی، «گزارش جریان‌های اسلامی در کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۲۳۲.

می‌باشد، چه خواهد بود؟ این جریان همچنین با مجموعه‌ای از پرسش‌ها در رابطه با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و دموکراسی روبه‌رو می‌باشد که اگر پاسخی مثبت برای آنها داشته‌باشد، می‌تواند اطمینان بیشتر مردم اقلیم کردستان را به دست آورد. به همین جهت الگوی ترکیبی اسلامی-قومی در حال تقویت شدن است و انتظار می‌رود این الگو در آینده ظرفیت‌های بیشتری را در فضای سیاسی و فرهنگی اقلیم به‌وجود خواهد آورد.

### سخن پایانی

اگر به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی کردستان عراق نگاهی داشته باشیم در می‌یابیم که این منطقه برخلاف برخی از ظواهر و آنچه که تبلیغ می‌شود، جامعه‌ای سنتی، سنت‌گرا و همچنین مذهبی است. یعنی نیروهای مذهبی در این جامعه نقش آفرینی فعالی دارند و نهادهای دینی نیز حضور مؤثری در این منطقه دارند. در ساحت زندگی مردم نیز دین، نقشی پررنگ ایفا می‌کند. به همین خاطر نیز گروه‌های اسلامی متعددی در این جامعه کوچک به‌وجود آمده و فعال شده‌اند. این در حالی است که بسیاری از ناظران و پژوهشگران مسائل خاورمیانه توجه خود را به سوی بخش عربی و به‌ویژه کشورهای اصلی منطقه معطوف کرده و رویدادها و دگرگونی‌های بخش‌های حاشیه‌ای خاورمیانه، به‌ویژه کردستان عراق را نادیده گرفته‌اند. شاید یک دلیل آن، ناآشنایی با دگرگونی‌ها و فرآیندهای در حال دگرگونی در منطقه خودگردان کرد عراق بوده است، از آنجا که کردستان عراق در طول دهه‌های قرن بیستم و در اوایل دهه نخست قرن بیست و یکم برای دستیابی به حقوق قومی خود به مبارزه مسلحانه و سیاسی مشغول بوده است، بیشتر توجهات به نخبگان سیاسی گروه‌های اصلی کردی نظیر طالبانی و بارزانی معطوف بوده و دگرگونی‌های درونی جامعه کرد عراق را از نظر دور داشته‌اند.

از جمله این دگرگونی‌ها می‌توان به پیدایش احزاب و گرایش‌های سیاسی جدید در صحنه کردستان عراق نظیر جریان‌های اسلام‌گرا از یک‌سو و جریان‌های میانه‌روی ملی از سوی دیگر اشاره کرد. با همه فراز و فرودی که جریان‌های اسلامی کرد عراق با آن روبه‌رو بودند (از آن میان می‌توان به ظهور و سقوط نسبی انصارالاسلام و گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا اشاره کرد)، هم‌اکنون نیز دو جریان اسلامی به نام «اتحادیه اسلامی کرد» و «جماعت اسلامی کرد» در پارلمان محلی کردستان فعال بوده و دارای نمایندگان رسمی هستند. با این همه، عمده‌ترین دگرگونی‌های سیاسی در رابطه با جریان‌های سیاسی کرد، پیدایش حزب تازه بنیان یافته گوران (تغییر) است که در انتخابات پارلمانی محلی





کردستان، ۲۵ کرسی را به دست آورد. این در حالی بود که شمار کرسی‌های حزب سنتی دیگر کرد یعنی حزب دمکرات و اتحادیه میهنی به ۵۹ کرسی می‌رسید. پایگاه مردمی گوران از آن زمان به بعد، روز به روز در حال افزایش بوده و این حزب را به گروه مخالف اصلی حکومت نیمه اقتدارگرای دو حزب سنتی کرد تبدیل کرده است.

با این اوصاف همان طوری که در روند شناسی جامعه کردستان اشاره شده، گرایش اجتماعی و سیاسی جامعه اقلیم کردستان به ناسیونالیسم مدنی به جای ناسیونالیسم قومی و همچنین احیای اندیشه‌های اسلامی در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی است.